۱۳۰۸ ۱۳۴۸ ۱۹۲۹

تیر محرم الحرام ژوئن

ندای ترقی

تاریخ تأسیس فروردین ۱۳۰۸

جلد چهارم سال اول

مؤلف دکتر لقمان مبین

ماهی یك نسخه طبع و توزیع میشود

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲ قران و خارجه باضافه تمبر پست

قیمت یك نسخه یك قران

محل اداره مشهد کوچه ارك

مؤسس میرزا عباس خان عظیم زاده

ازاي محصلین مدارس قیمت آبونه شش قران قبلا دریافت میشود

مطبعه نور : مشهد

فهرست مندرجات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی شرف الانسان باعظم نعمائه و خصه بالعقل الذی هواول خلقه وجعله حجة الباطنه في سريرةالانسان و حتج به يوم الحساب والصلوة على العقل التام الذی هو اول صادر من خالقه وجعله حجة الظاهرة الزاهرة البيضاء علي كافة خلقه ومظهراً لا ثار حجته الباطنه ليهلك من هلك عن بينه ويحيى من حى عن بينة و السلام علي حججه والشاهدين علي خلقه الائمة اثنى عشر من ولد نبيه الذين بهم يتم الحجة على جميع عباده حتى لايبقى على الله حجة واللعنته علي من ضلوا واضلو عباده وساقوهم باتباعهم الهوا الى خسران عالم البقاء

مبحث اخلاقی — عدالت

درشماره هاى گذشته مختصري از اينمعني گفته شد حال ميخواهيم به بينيم در عالم عدل وجود دارد يا نه.

حقيقت عدالت عبارت است ازغالبيت عقلي كه خليفه خداوندى است بر تمامى قواي باطنه انسانى كه هريك از اين قوى را تابع ومطيع رأي خود نمايد تا اينكه نظام عالم انسانى بهم نخورد

خداى حكيم وقادر متعال انسانى را مركب از قوي متضاده نموده وقتيكه اين قوى را هيجان وحركتى حاصل شد مادامیكه يك قاهر خيرى

این قوي را مقهور خود ننماید نتیجه این هیجان حدوث اقسام شر و فساد خواهد بود زیرا که هریکی ازاین اضداد کوشش میکند انسانی را بطرف خود جذب و متمایل نماید چنانچه اگر شخصي را چندین نفر از اعضا و جوارح آن گرفته هرکدامی بقوت تمام بطرف خود بکشند او راقطعه قطعه‌خواهندکرد مگراینکه قوه قاهره زمام‌جانبین‌را بدست‌گرفته وآنهارا تعدیل نماید واین قوه‌قاهره واین حاکم عدل عبارت است از عقل که او خیر محض وعادل مطلق است ودر ذات او جور وشر ایجاد نشده و براي حصول این مقصود یعنی غالبیت دادن عقل وسلطان عادل بر قوي متضاده یك سلاح والت تخویف لازم است واوعبارت است از مجاهده بانفس که جامع وحاوي این قوی است وقتیکه انسان خودرا حاضر بمیدان مجاهده با نفس خود گذارد قهرا عقل غالب بوده واین تجاذبات واختلافات را مرتفع نموده تمامي قوی را در یك خط مستقیم نگاه میدارد که بیك معني‌مقصود از صراط مستقیم همین خواهد بود پس از این مقدمه می گوئیم مادامیکه انسان قوی خودرا تعدیل نکرده باشد امکان ندارد احکام عدالت را راجع بخانه واهل خانه وهمسایه و رفقا واهل شهر خود اجرا نماید دلیل ان واضح است که کسیکه نتواند خودرا اصلاح نماید چطور اصلاح دیگري را قادر خواهد بود واگر فرضا چنین انسانی پیدا بشود که تمامی قوي وصفات خودرا تعدیل نموده واز حد افراط تفریط اجتناب نموده ودرجاده وسط مستقیم ومستقر گردید. البته این فرد کیمیا و این کبریت احمر سزاوار است که بر تمام افراد بشر عالم حاکمیت نماید بعبارة اخری

چنین انسانی خلیفة الله فی الارضین بوده واکر زمام مصالح مخلوق در قبضه اقتدار او باشد تمامي امصار وبلدان روشن ونورانی شده وکلیه امور عباد بصلاح افتاده وزمین واسمان برکات خودرا ریزش وفوران میدهد پس از اینجا معلوم میشود که مدرك قول عقل کل که فرموده (عدالت یکساعت بهتر ازعبادت هفتادسال است) چه بوده است بدیهی است که سلطان عادل نظر بصفت عدل تمام هم خود را بررفاه واسایش رعیت خود داشته و سلب راحت از خود نموده ودر حدود امکان وسایل تامینه انهارا فراهم خواهد نمود ودر نتیجه ان فراغ بال عامه حاصل ووسائل تحصیل علوم و ... کاملا فراهم دماء محترمه ونوامیس واعراض ذیقیمت محفوظ واموال مصون وطرق وشوارع در نظم وامان و مراوده در امصار وبلاد ازاد واعاشه واداره خانواده در کمال سهولت وارزاق واسعار معتدل و دلهای عموم مسرور ومشعوف وتجارتها ومعاملات رایج وعایدات زیادتر و مصارف کمتر واکثر طبقات و بلکه عموم طبقات ادراك خواهند نمود که وسیله سعادت ونیك بختی فنا ناپذیر منحصر به تحصیل علوم و معارف و تهذیب اخلاق واجتناب ازفساد اخلاق است و پس نتیجه علم ومعرفت غالبیت عقل است بر هوای نفس ونتیجه این غالبیت تبعیت واطاعت از قوانین مقرره اسلامي است در نتیجه این تبعیت حقوق وحدود تمام طبقات وافراد بشر معین ومحفوظ بوده وباالاخره عدالت پادشاه ایجاد عدالت را در کلیه افراد خواهد نمود عدالت در میان ما مردم فقط اطلاق بعدالت پادشاه وحاکم میشود وحال انکه اینطور نیست بلکه همه مسلمین مکلف به متصف بودن باین صفت هستند

علاوه بر اینکه یك معنای عدالت که ضد فسق است اجتناب از گناهان کبیره وعدم اصرار بر گناهان صغیره است وهر فردی از اهل ایمان بخدا و انبیای خدا مأمور باین امر میباشند انسان باید نسبت باهل خانه وزن وبچه وهمسایه و خادم وکلفت خود هم عادل باشد و حقوقی را که مقررات اسلامی برای اینها معین میکنند ادا ومنظور نماید چنانچه اگر انسان زن خود را بتکالیف شاقه و زیاد تر از حدود مقرره اسلامي وادار نماید واگر فحش باو داده ویا بزند ظلم کرده مگر مواردیکه مقنن اسلامی را جع به تنبیه زن اجازه داده آنهم برای تنبیه نه فحش دادن واگر زن خود را آزاد گذارده واورا اجازه بدهد بهر جا که دلش میخواهد برود وشرع اسلامی اجازهٔ رفتن نداده است ظالم بر زنش شده واگر زن اطاعت از شوهر نکرده وحتي بدون اجازهٔ او بمواضع عبادات مستحبه از قبیل زیارت رفتن که از افضل عبادات است برود گناهکار بوده بخود و بشوهرش ظلم کرده است حتي بیتوته کردن درمعابد ومساجدواماکن مشرفه باخلاف رضای شوهر حرام و به حقوق شوهر خود ظلم کرده است

اگر مرد راضی است بر اینکه زنش با مرسوم امروزه عصر ما با چادر ولباس وکفش های برقی جالب توجه اجانب در کوچه وبازار رفته و با بیگانگان آمیزش نماید البته ظلم براو کرده واگر زن در ممانعت شوهر اطاعت ننماید البته بشوهر خود ظلم کرده است واگر پدر و مادر از فساد اخلاق وارتکاب شنایع اولاد ممانعت و نهي ننمایند بر اولاد ظلم کرده

چنانچه از منابع علم وحکمت وطب ارواح بما رسیده است که در روز حساب ومحاکمه در محکمه عدل اللهی زن و ولادیکه پدر بیچاره عمر خود را در رفاه و آسایش آنها ضایع کرده وراحت آنها را بر خود مقدم داشته وخود را سپر بلاي آنها قرار داده بود تظلم مینمایند که خدای ما من راه اصلاح خود واطاعت اوامر نواهی شما را نمی دانستم پدرم ویا شوهرم مرا ملتفت ننموده واز ارتکاب افعال قبیحه ومحرمات ممانعت ننمود داد مرا ازاین پدر ظالم ویا این شوهر ظالم بگیرید،

صفت جور

این صفت ضد صفت عدل است وجور مراتبی دارد که غرض ما فعلا شرح انها نیست تا موقع آن برسد الا اینکه میگوئیم ظلم وجور نسبت باشخاص وموارد تفاوت کلی پیدا میکند با اینکه ظلم در تمام مراتب خود از اشنع واقبح تمام صفات است لکن البته ظلم برحیوان با ظلم بر انسان در قباحت مساوی نخواهد بود در انسان هم هر اندازه که مراتب کمالیه ان زیاد تر باشد ظلم بر او شنیع تر خواهد بود و هر اندازه که این انسان ذی حق برنوع خود باشد باز شنیعتر خواهد شد واین حقوق بامراتب خود باز بر قباحت ظلم خواهد افزود بدیهی است ظلم بر کسیکه حق مال داشته باشد با ظلم بر کسیکه حق حیاة داشته باشد برابری نتوانندنمود و ظلم بر صاحب حق حیاة جسمانی با صاحب حق روحانی قابل مقایسه نخواهد بود وظلم بر اهل ایمان با ظلم بر کفار مساوی نخواهد بود وظلم بر پدر و مادر باظلم بر خویشان دیگر برابرنخواهد بود

وظلم بر خویشان باظلم بربیکانکان برابر نخواهد بود و ظلم برسلطان عادل با ظلم بر سلطان ظالم ویا افراد رعیت مساوی نخواهد بود وظلم بر عالم مانند ظلم بر جاهل نخواهد بود اجمالا از مسلمیات عقل است که هر اندازه طرف ظلم ﴿یعنی مظلوم﴾ ومورد ظلم در شرافت جسمانی وروحانی وذی حقوق بودن بالاتر باشد برقباحت ظلم افزوده خواهد شد

البته پادشاهی که از نفس نفیس خود سلب راحت نموده وخودرا دائما بمخاطرات وشداید مواجه نموده ودر اسایش ورفاه رعیت واهل مملکت و اتباع خود کوشش نموده و در سایه عدالت ورافت ودفع اعدا و مخالفین جاده سعادت و نیکبختی را برای انها صاف وروشن نموده که ابواب علم و معرفت ووسایل ترقی بعالم انسانیت وسعادت سرمدی مفتوح گشته

وعامه رعیت از قید اسارت و فشار خلاصی وبا حریت و آزادی سرمایهٔ سعادت ورستکاری راکه منحصر بقوانین اسلامی وتعالیم الهی است از منابع اصلیه بدست آورده وتحت سیاست ومدنیت شریعت نبوی به تهذیب اخلاق و تزکیه نفوس پرداخته و بالاخره به آسایش وسرور فنا ناپذیر عالم بقاء نایل کردند سزاوار نیست طرف ظلم رعیت بشود سهل است که بلکه بر تمام طبقات رعیت از طبقه علیای روحانیه و نمایندکان اسلام ومذهب تا آخرین فرد کناس لازم و واجب است در اوقات شبانه روزی دعای وجود چنین پادشاهی را از اهم فرایض خود دانسته واز تکالیف مهمه خود بداند البته ما مردم صورت پرست که مانند بچه که چهار تاشیرنی

و نقل باو داده جواهر ذی قیمت را از دست او میگیرند نباید لوازم عقل را از خود سلب کرده وفریب صورتهای بی حقیقت ممالك اروپا واروپائي هارا خورده وتصور کنیم تمام سعادت و نیك وبد بختي در اینست که وسایل شهوت راني وخدمت بر شکم وفرج کاملا فراهم شده زن ومرد آزادانه یکدیگر را بغل گرفته باشند و یا تمام علم منحصر است براینکه پسر ودختر دست یکدیگر را گرفته در نمایش کاهها رقاصی نمایند و یا تهذیب خلق این است که زن را درمقابل چشم شوهر ببوسند متغیر نشود ویاتمام عیش در اینست که دست به گردن زنهای اجنبیه انداخته در شبهای مهتاب در خیابانها قدم زده و در مهمانخانهها قمار کرده هزار پوند انگلیسی ببازیم و یامنحصر است به اختراعات آلات حربیه فانی کننده بشر وگاز های خفه کننده و اعمال قوه فکریهٔ در افنای عالم بشریت به بیرحم ترین شکلی آنوقت دور یکدیگر نشسته واز خودمان وممالك اسلامی وسلاطین اسلامی وعلمای اسلامي وقوانین اسلامی تنقید نموده و سلطان اثني عشری که حق سعادت دائمي دنیا واخرت را داشته حقیر شمرده سلاطین کفر واروپائي هاراکه نه تنها ترقي اقتصادی مارا مخالف میباشند و بلکه با تمام قوی بر فساد اخلاق پسندیده اسلامي ما واختلاس سرمایه سعادت دائمي ما میکوشند تمجید وتقدیس نموده دائماً حسرتها خورده وآه بر دنبال آه بکشیم که خارجي ها ترقی کردند ماتنزل کردیم حق داریم زیرا اساساما معنی انسان و معنی ترقی رانفهمیده سعادت ونیك بختي را ازشقاوت وبد بختي امتیاز نداده ایم

حقوق پادشاه شیعه مذهب

اگر ما همه ضمیر [illegible]

از لوازم و وظایف حتمیه مقرره و ذاتیه انسانی است در تحقیق [illegible] کنیم با مختصر جولان این قوه در میدان عقل بطور خوبی خواهیم فهمید که این نشاْه محسوسه و افلاك و کرات علوی و سفلی آنچه در اینها است طفیل وجود عزیز و گرامی انسانی موجود شده و این انسان باید در این زندگانی موقت ناسوتی خود بشرافت و مناعت حقیقت خود پی برده و بداند که وجود او نه مانند حیوانات و بهائم برای خدمت شکم و فرج و لذات بهیمه آلوده بهزار قسم [illegible] و آلام و خون دلها بوده و نه مانند سباع و وحوش بجان یکدیگر افتاده هر کدام قوی تر شده دیگری را بدرد و پس از چند سال زندگی بصورت مرده و لاشه افتاده و خاك و فانی خواهد بود و بلکه ناچار و حتمی است باید یك نشاْه باقیه و یك عالم غیر قابل فنائی بوده باشد که این نفس عالیه انسانی که فارق بین او و حیوان است در آن عالم بقاء نتیجه و ثمره افعال و عملیات نشاْه فانیه را ببینید (ان خیرا فخیر وان شرا فشر)

پس از احراز اینموضوع بطور فهرست میگوئیم که عقل حاکم است براینکه بر خالق بشر لازم است وسائل سعادت بشررا فراهم و راههای بدبختی و شقاوت راارائه نماید علی هذا لازم است در هر عصری یکنفر نماینده از جانب خود در جامعه معرفی نموده و بواسطه آن تعلیماتی داده باشد

اورا تعبیر با پیغمبر مینمائیم شرط این نماینده این است که باید مظهر صفات علم وکمال و قدرت خالق بوده و هیچ فردی از بشر در این صفات تفوق وبرتری باو نداشته باشد وبرای ادامه این مقصود تا انقضای عالم تکلیف این پیغمبر باید برای خود وصی وخلیفهٔ که در تمام مظاهر صفات ربوبیه مانند خود بوده باشد معین نماید وغیر از شخص پیغمبر که اخذ تعلیمات و دستورالعمل از مقام ربوبیت مینماید احدی قابلیت تعیین این خلیفه‌را ندارد زیرا که بحکم عقل غیراز خداوند وعالم سرائر وخفیات کسی صلاح وفساد امور عامه را احاطه ندارد لهذا این شیوه وسیره در تمام اعصار اجتماع بشری جاری بوده تا زمان پیغمبر خاتم (صم) که مکمل تمام ادیان وخاتم تمام سفراء الهیه بوده و قانون سماوی ان سرامد تمام قوانین جاریه میباشد

(نتیجه وعلت غائی سفارت پیغمبر خاتم ص)

وجود مقدس محمدی صم پس از چندین سال زحمات وتحمل وصدمات طاقت فرسا در اواخر عمر مامور بابلاغ یك فرمان وحکم ملوکانه الهی گردیده وبقدری تاکید وتهدید دراعلان این ماموریت شد که اگر مسامحه نماید تمام زحمات وماموریت های بزرك بزرك ومهمی را که انجام داده بود رد شده وهیچیك از انها قبول در بار ربوبیت نخواهد شد این ماموریت بزرك و این اخرین نتیجه سفارت او چه بود ؟ او عبارت بود از معرفی وجود علی (ع) برای نمایندگی خدائی در جامعه اسلامی نظر بهمین حکم سخت و امر فوری الاجراء در صحرای غدیر خم در زیر

آفتاب سوزان در مهاجمه زیاده بر هفتاد هزار نفر اعلان ماموریت خودرا کاملا نموده وخود رابا ستشهاد از ساحت ربوبیت از مجازات تمرد این ماموریت رهانید وبقسمي حجت را تمام نمود که از زعماي قوم وشرفاء عرب آواز بخ بخ لك یا علي (اصبحت مولاي ومولا كل مومن ومؤمنه) طنین انداز حجازات واز آنصفحه به محیط عالم گردید این بود که پس از انجام این ماموریت آیه اکمال دین نازل گردیده وکمال دین ومقبولیت شرایط اسلامی در دربار الوهیت منوط وموقوف بولایت کلیه علوی ص گردید پس از ارتحال علي (ع) یازده نفر او صیای اوکه با اسم و صفات از طرف پیغمبرخاتم (صم) منصوص بودند مشاغل این مقام ولایت گردیدند و در زمان غیبت امام دوازدهم که بر طبق حکمتهای غیر متناهي خدائی از انظار ظاهره محجوب بوده باشد علمای اعلام ونواب امام (ع) وسلاطین شیعي مذهب رشته این ولایت را محکم گرفته وحدود وثغور دائره تشیع را از تهاجم مخالفین واعداء که درلباسهای مختلفه عازم بتخریب آن بودند نگهداري نمودند که امروز در کره زمین سلطنت اسلامي حقیقی و شیعي مذهب رسمي و مرکز قوای اثنا عشری منحصر به مملکت عظیم الشان ایران و سلطان شیعی مذهب و اعلاء کننده بیرق جعفري مذهب منحصر به شخص شخیص و اولین شجاع میدان تشیع اعلیحضرت پهلوی خلد الله ملکه می باشد زهی افتخار وسر بلندي برای این وجود مقدس که امروز با این کثرت اعداء ومخالفین آثار نبوت ومهاجمین بر علوم و معارف حقه خانواده رسالت

که از شش جهت این مملکتي را که تمام زحمات محمد و آل محمد (صع) رای حفظ دیانت حقه ان بوده
واین حوزه شیعه مذهب را که نتیجه زحمات علي وال علی (ع) بوده بمبارده مان
میکنند وجود ملوکانه خود و در باربانش سینه را سپر کرده نمیگذارند
پرچم بیرق جعفري مذهب از اهتزاز و حرکت بماند البته برای عموم
رعیت دعاي وجود چنین سلطانی ازاهم فرایض است

علو مقام معنوی سلطنت شیعی و علمای شیعه مذهب

ما روی خطاب را بهیئتی که ایمان بخدا و قران وپیغمبر ودوازده امام دارند
قرار داده وباکسانیکه سالهای دراز در جامعه تشیع بوده و صورتاً دعوی
شیعیت نموده ولکن عقاید قلبیه شان متزلزل ودرآراء سخیفه خود مستبد ومشاغل
بوده وبرای راحت بدن از زیر بار قانون اسلامي وتعلیمات ائمه هدي (صع)
شانه خالي میکنند صحبت نمیکنم زیرا که این جماعت باعقول ناقصهٔ که
در ظواهر امور عاجز است میخواهند حکمت وفلسفه قانون اساسی الهي را
که بر روی یك اساس وشالوده محکمي گذاشته شده بفهمند ومثل این
جماعت شبیه به اعتراضاتی است که بدویها ودهاتی ها بر وضع قوانین سیاسی
مملکتی راجعه بسیاسیات خارجه نموده واصل وفرع انهارا نمي فهمند
ما بر کسانیکه فهمیده اند شیعه یعنی قبول کننده امرونهی ائمه هدی از
حقیقت قلب خواه عقل ناقص انها درك معاني وعلل انهارا بنماید وخواه
ننماید میکوئیم ما بر کسانیکه معتقدند بر اینکه دقایق ونکات احکام قانون اسلام را
غیراز چهارده نفراز معصو مین [ع] احدی نمی فهمد حتی کاملین از اهل ایمان

وبلکه بعضي ازانبیاء بني اسرائیل میگوئیم هزار سال متجاوز است که قضیه جان بازی حضرت حسین علیه‌السلام وواقعات صحراي کربلا وقضایای کوفه وشام و شدايد وارده برخانواده رسالت گوشهاي عالمیان را پر کرده و شدت بلاياي انها دلهای یهود ونصاري وبت پرستها را هم متألم نموده وقطع نظر از اخبار و روایات و تواریخ اسلامي مورخین اروپائی را هم اهمیت این قضیه و دقت سیاست آل علي (ع) تکان داده و اقرار کرده اند براینکه این نوع از جان بازي در تاریخ عالم نظیر نداشته وموضوع این سیاست بهیچوجه مربوط به سلطنت و ریاست دنیوی نبوده بلکه فقط حفظ قانون جد خود واعلان حقیت ومعنویت ولایت پدرش و عداوت بني امیه با اساس دیانت وسوق مسلمین واهل اسلام را به مسلك و مذهب تشیع و سعادت دائمی ونجات آنها را ازشقاوت و عذاب عالم بقاء بوده است

درصورتیکه مطلب اینطور باشد (یقیناً همینطوراست) وفرقه ناجیه ازتمام ملل وادیان کنونی منحصر به فرقه شیعه مذهب باشد آیا میدانیم که امروز کدام قوه حافظ مقصود وسیاست جان بازان و فدائیان عرصه کربلا بوده وحامي دین خدا منحصر بفرد کیست؟

بلی میدانیم سه قوهٔ امروز حافظ ونگهدار این سیاست وبرپا دارندهٔ بیرق آل علی (ع) است قوهٔ اول قوه باطني الهی و تایید غیبی است که رشته او در قبضه قدرت حضرت ولي عصر عجل الله فرجه بوده واو ناظر اعمال وحامی دو قوه دیگر است واوست که درهر دورهٔ بمقتضیات آن

حوزه وجامعه تشیع را از تهاجم مخالفین دفاع میکنند اثبات اینموضوع برای ارباب هوش محتاج به اقامهٔ دلیل نیست واگر با مختصر جولان ذهن وتامل در واقعات سی ساله اخیر مملکت باعظمت ایران تماشا کنیم میبینیم با فقدان وسائل دفاعیه ظاهریه ما ازچندین طرف داخلا وخارجاً دستجات اعادی شیعه مذهب با قوای مختلفه وشمشیر های کشیدهٔ سیاسات دیپلوماسی ها وطرح ریزی ونقشه کشی های نقاشان ماهر فارغ التحصیل روپائی ها واستعمال آلات قتاله حربیه عالم خراب کن حمله های متوالی و طولانی بر این حوزه نمودند و تمامی عملیات گونا گون آنها بقسمی خنثی و بلا نتیجه ماند که خود آنها وما هم متحیر ماندیم دو قوه دیگر ظاهری هستند یکی از ان ها قوه روحانیت است که رشته ان دست علمای اسلام ونواب عامه است که از ناحیه ولی عصر معرفی شده‌اند وبقدری در اطاعت وامتثال‌امر ونهی انها تاکید شده که فرمود رد کننده انها رد مرا وخدا را کرده است زیرا که اینها قواعد ودستورات حفظ این حوزه را بدون مداخله دادن آراء خود از منابع علم الهی وجاعل قوانین دینیه تعلیمات گرفته ابلاغ بسایر طبقات مینمایند اینها هستند که افضل از انبیاء بنی اسرائیل بوده ومرکب قلم انها افضل از خون شهیدان در راه خدا میباشد اینها هستند که توهین وهتك احترام بر انها توهین بر پیغمبر و امام است اینهاهستند که دفاع از تشکیکات واغوآت مذاهب باطله مینمایند اینها هستند که احکام حلال وحرام خدارا بر عوام تبلیغ مینمایند اینها هستند

که باطاعت آنها از درکات آتش آخرت به درجات لذت عالم بهشت میتوان فائز گردید اینها هستند مظاهر صفات امامت اینها هستند مهذب اخلاق عامه اینها هستند که صدای هل من ناصر داعی صحرای کربلا را لبیك میگویند اینها هستند که نمی گذارند نتیجه خونهای ریخته دوستان خدا وشیرخواران میدان کربلا از بین برود

لکن چون قوه های موافق و مخالف در عالم سیاست غالباً مشتبه شده و مخالف برای انجام مقاصد نفسانی خود ویا برای فریب دادن دیگران خود را در لباس موافق نمایش داده وصدمه آن بمراتب بالاتر از مخالف واضح میشود لهذا ان قوه باطنه وان مؤید غیبیه رشته این قوه روحانیه را کاملا محکم کرده وعلامات ممیزه موافق را از مخالف بطور کمال معین نمود که مبادا لشکر اسلامی از صورت ولباس این مخالف فریب خورده وبرای خود دوست فرض کرده مقهور دشمن گردد اینست که فرمود هر عالم ومجتهدیکه مطیع مولای خود ومخالف با هوای نفس خود شده ودنیا را بر دین اختیار ننمود وحب جاه وریاست را بر رضای خدا مقدم نداشت نایب من است وبر عوام حتم وواجب است تقلید از او نمایند نه اینکه سالهای متمادی زحمت کشیده وبا تحصیل علم بمقامات رفیعه اجتهاد رسیده وباشمشیر این اجتهاد وعلم اعلان جنك باقران واحکام و سنت پیغمبر نموده واحداث بدعتهای دردین را اجتهاد نام گذارد نه اینکه علم واجتهاد ولباس اهل علم را آلت اجرائیه مقاصد دنیوی نموده وباسم لیاقت تصرف

در مال امام مال امام ورعیت را ربوده صرف مشتهیات و تجملات وریاست رمردم داری خود نماید نه اینکه بافریب ونیرنك های دقیقه شیطان ونفس اماره را که انبیا واولیاء از آنها ترسان ولرزان بوده ولحظهٔ مأمون نبودند زهد در دنیا را سبب جلب دلهاي عوام نموده وباسم اعانت در دین وحفظ دیانت مسلمین که بخودش هم مشتبه شده کمر اسلام و دین را بشکنند بي جهت نیست که لسان ترجمان خدا بفرماید این طبقه از علماء سوء درجامعه اسلامی مضرتر ازلشکر یزید ابن معاویه میباشند

بدیهی است همانطوریکه علمای عظام ونواب شایسته امام بمنزله انصار حسین (ع) وزنده کننده قوانین مرده اسلامی میباشند همانطور علماء سوء بمنزله محاربین بحسین (ع) وکشندد قوانین زنده شده در کربلا میباشند

ازنتیجه عملیات یکنفر ازاین طبقه هزارها مسلمین از صراط مستقیم منحرف شده وبضلالات می افتند اینجاست که مزال اقدام عوام است چنانچه غالب طبقات مسلمین امروزه تصور می کنند نایب امام و مجتهد عادل ومتقی درعصر حاضر موجود ندارد این تصور از بزرگترین تسویلات شیطان است زیرا در غیبت امام [ع] ممکن نیست زمین از وجود یك وچندین نفر از نایب امام خالي باشد برای اینکه اگر خالی باشد اصل غرض منتفی شده وباب تکلیف مسدود شده مسلمین بر خدا حجت وعذري خواهند داشت بد شدن مجتهد وعلم تکلیف را از گردن مسلمین بر نمیدارد هر عصری که زمین از نایب امام خالی باشد واجب است بر امام غایب که از پردهٔ غیبت ظاهر گردد بلکه اینکونه

امتزاج موافق ومخالف امتحاناتی است که برای مسلمانها پیش میاید تا مطیع ازمتمرد امتیاز یابد بر تمام افراد مسلمین واجب است با تحقیق از اهل خبره وبصیرت چنین عالمي را پیدا کرده تقلید از او نماید و بر این عالم واجب نیست که اعلان قابلیت نیابت خود را نماید البته امتثال امرونهي خدا وقانون شرع با مقتضیات نفس وشهوت مخالف است عوام برای فرار از کف نفس بهانه بدست اورده عموم علماء را تخطئة و تنقید و تفسیق مینمایند برای اینکه دین وشریعت را ملعبه وبازیچه وشوخی فرض کرده اند چنان خیال کرده اند دین وشرعي که بازحمتهاي طاقت فرسای محمد وال محمد(ص) وشمشیرشکمهای گرسنه ولبهای تشنه واعاشه با یکدانه خرما وریخته شدن خونهای اقوام با شهامت ومردان خدا اعلاء گردیده امروز که روز مهلت واختیار وامتحان است این قسم پامال شهوتهاي مسلمین شده فردا مسؤل نخواهند بود قرآن ما مسلمین و تهدیدات و انذارات او نسبت بمخالفین دین واحکام وحدود خدارا تمام طوایف غیر مسلم هم دیده ومی بینند صریح قرآن حاکیست که هر کلمه از دهان انسان بیرون میاید از طرف خداوندی ثبت وضبط میشود هر دستی که حرکت میکند هر قلمی که روی کاغذ میاید هر قدمي که برداشته میشود وبلکه هر خطرهٔ که بقلب خطور میکند نزد خدا ضبط و طولی نخواهد کشید که محاکمه خواهد شد طبقات رعیت در ضروریات دین و واجبات ومحرمات دین خود بهیچوجه عذری ندارند چرا ؟ زیرا که زنهای

کوهستانی‌ها هم میدانند خدا واسلام زنا کردن وشراب خوردن وقمار کردن وربا خوردن ودزدی نمودن وآدم کشتن ولواط نمودن ودشنام دادن و بدگوئی ومسخره کردن واذیت واهانت کردن را حرام و قدغن نموده بدوبهای وحشی هم شنیده اند که نماز خواندن و روزه گرفتن وخمس وزکوة دادن بر مسلمان واجب است اینمسائل تقلیدي نیست قاطی شدن عالم نما در هیئت علمیه اسلامي بهانه بدست مسلمان نمیدهد که باید واجبات معینه واضحه را ترك ومحرمات بینه را مرتکب شود ازهیچ مسلمانی قلم تکلیف مرفوع نیست مگر طفل نابالغ ودیوانه وتمام مردم بموجب نص صریح قرآن (ولنسئلنهم اجمعین عما یعملون) از اعمال خود مسئول خواهند بود چه طور ممکن است کسیکه عقیده بخدا و قرآن و اسلام و محکمه روز جزا داشته باشد قلم و زبان اونتواند به رفع حجاب که صریحیات قرآن نهی ازاو میکند یك کلمه بنویسد یا تکلم نماید تمام طبقات مردم نسبت بوظایف خود مسئولیت دارند عالم نسبت بعلم و عمل خود جاهل نسبت بمراتب خود غني نسبت به تکالیف مالیه ومقررات شرعیه خود فقیر نسبت به فقر وعمل بوظایف حتمیه خود وهکذا تا برسد انسان نسبت بحیوانات

﴿ مسئولیت تمام مسلمین ﴾

امروز غالب افراد مسلمین نزد خدا وپیغمبر وامام مقصر اند مقررات شرع امروز بقدري موهون ومتروك شده که بدعتها جزو سنت هاي نبوی

گردیده اگر کسی به نویسنده این مجله بگوید توکه دور ازمقام علم ومعرفت هستي چه حق داری تکلیف برای مسلمانها مي نویسی حق دارد خودم هم تصدیق میکنم ومیدانم علاوه براین اعتراض اهل علم بر نویسنده سایر عوام مثل خودم هم این مطالب را خوانده و خندیده و خواهد گفت طبیب با موعظه چه تناسب دارد لکن بخیال خودم بایك جواب از طرف خودم خود را داخل در اینمقولات کرده و میکنم می بینم از اروپائي ها یکنفر که در این رشته ها داخل شده وبخیال خود فلسفه در ادیان الهي می بافد و قتیکه داخل درفلسفه دیانت اسلامي وتعلیمات قرآني میشوند پس از هزار و سیصد سال از زمان پیغمبر ما وترقیات سریعه معارف وایجاد قوانین مختلفه عالم بشری کنوني تازه به محسنات ومتانت بعضی از مقررات اسلامي بر خورده و بسیار مایل اند ملت وقوم خودرا بطرف آنها سوق دهند ولي راه چاره را برخود مسدود مي بینند می بینیم یکنفر اروپائی که مینویسد که امروز مضرات الکل و مشروبات در اخلاق وانسب و سیاسیات اهالی و ممالکت روشن تر از آفتاب است و یا مینویسد حجاب برای زن در اصلاح امور عامه مملکتي ازضروریات است ویا مینویسد عادت دادن جوانان بمشتهیات نفسانیه اخلاق را بکلي فاسد میکند بی اندازه جالب توجه مسلمین میشود حقیقة عصبانی میشوم که بعقل وحسیات مسلمانها چه درد ومرضی مستولي شده که قران خودرا باندازه نوشته یکنفر اروپائي اهمیت قائل نیستند ای مسلمان

قران شما جامع تمام سعادات و خیرات دنیا و اخرت شما است با اجماع تمام دانشمندان منصف وبیغرض اروپائی ها ای مسلمان که شق القمر وحرف زدن سنك ودرخت را برای قدرت خدا وپیغمبرت بسیار بعید می شماری این قبیل معجزات برای سفله وجهال قوم وامت بوده کلمات ودستورات وتعلیمات ودقایق اوامر ونواهی پیغمبر وامام شما محمد وعلی صم پس از هزار وسیصد سال کلیه اروپائی ها وفلاسفه عالم را مست وحیران نموده است هر آیه از ایات قران شما که امروز در مرئی ومنظر شما است بالا تر از شق القمر است اگر شق القمر را مانند بوجهل پس از دیدن هم حمل بر سحر نمائي (العیاذ بالله) ایات واحکام قران را که نمیتوانی سحر بخوانی خودت انصاف کن امروز هر یك از دول معظمه وتربیت شده که بعقیده شما چشمه های علم از شهر های آمریك واروپ میجوشد یکدسته سیصد الی هزار نفری را از عقلا ودیپلماسی و سیاسیون ممالك یك یك چیده وانتخاب نموده مدتها زحمت کشیده واعمال قوای فکریه خودرا که پس از پنجاه سال تحصیل وتجربیات بدست اورده با اتفاق واکثریت اراء وضع یك جمله از مواد قانون موقت دو ساله نموده ششماه طول نمي کشد که نواقصی در ان مشاهده وبلکه مفاسدي در همین قانون مختصری که از نتیجه افکار عالیه پانصد نفر از دیپلوماسی های عالیمقدار وضع شده بود پیدا میکنند که ناچار میشوند ناگزافها خسارات ومصارف جبران یکی از مفاسد مواد قانون خود را بنمایند باز رونق نمي توند ـ بقیه در اتیه

مبحث طبی

سفلیس – اوهو بازهم سفلیس – بلی باز هم سفلیس چرا ؟ زیرا مجله ما بسیار مایل است که انظار عموم را بدین موضوع جلب نماید بهترین رویه که برای این مقصود اتخاذ نموده همانا زبان طبی وقلم اخلاقی است همانطوریکه متصدیان امور مملکتی مکلف هستند در حفظ مال و خون عامه و صیانت نوامیس مملکتی لحظه غفلت نورزند و غفلت آنها باعث تولید هرج ومرج واختلال در نظم ونسق مملکت مینماید* وهمانطوریکه متصدیان امور دیانتی مکلفند دیانت ملت را تحت مراقبت گرفته و در تهذیب اخلاق وتزکیه نفوس حوزه خود و نشر وتعلیم مقررات و احکام اسلامی غفلت ننموده باشندوغفلت ومسامحه آنها سبب فساد اخلاق واعراض عمومی از قواعد اسلامی و باختن سعادت خود و تمایل به استبداد رأی وازاد کردن خود از ربقه قوانین الهی نموده وبالاخره منتهی به گسیخته شدن رشته نظامات ووظایف انفرادی و اجتماعی میشود همانطور اطبا مکلفند که سبب اختلالات صحیه عمومی را تشخیص داده ودر حفظ ابدان نوع خود نهایت کوشش را داشته باشند واگر غفلت نمایند رشته صحت گسیخته وتعداد نفوس که مدنیت و ترقیات انسانیه منوط بانهاست رو به نقصان خواهد گذاشت

آیا برای اطبا یعنی برای عهده داران صحت عمومی یعنی برای کسانیکه

مسئول حفظ الصحه جامعه هستند فقط معاینه مریض و نسخه نوشتن ودستورحریره بادام ونخود آب وتنقیه واماله دادن کما في است یانه ؟ البته کافي نیست وبلکه اطباء یك مسئولیت بسیار بزرکي دارند آیا اطباء می بینند که دستجات دشمن ابدان واژدها هاي مهیب بر جامعه حمله اورده بعضي را کور وبعضی را کر وبعضي را ازدست ویا مفلوج وبعضی را بازخمهای منکر از پادرانداخته وبعضی ها را احمق وسفیه نموده وحتی به اطفال وجنین‌های شکم مادر هم رحم نکرده و انها راطعمه خود قرار میدهند ؟

آیا اطباء مي‌بینند چه نوعروسهای زیبا وشکیل در اثر سه ماه عروس شدن طراوت ولطافت خودرا ازدست داده و اسباب نفرت شده اند ؟ آیا اطباء مي بینند چه نو جوانان وتازه دامادهای رعنا در نتیجه یکماه داماد شدن چه شکلي پیدا کرده اند ؟ آیا اطباء ناله های جانسوز اطفال بی کناه سه‌چهارماهه را که‌از زحمت جراحات سفلیس تا صبح بلند کرده اند می شنوند ؟ آیا اطباء می بینند چه خانواده های عفیف بواسطه یك نفر دایه سفلیسی کرفتار مرضي شده اند؟ آیا اطباء می بینند جوانان کاسب عروس دوماهه خود را مبتلا کرده واز عهده مخارج معامله آن برنیامده و یا این عروس سبب تنفر انها شده او را ویل کرده و معلق نموده اند ؟ آیا اطباء مي بینند یك ثلث از اهالی قریه سیصد نفری سفلیسي شده اند ؟ آیا اطباء می بینند در یك فوج قشون مملکتی یکصد نفر سفلیسی شده اند؟ آیا اطباء مي بینند از یکصد نفر سپورهای شهر سي نفر سفلیسی شده اند ؟ آیا اطباء مي بینند این

مستخدمی که ماهی هفت و هشت تومان حقوق دارد زن و بچه اشرا سفلیسی کرده غیر از شخص خودش که دوای او مجانی است نمیتواند برای زن و بچه اش دوای مجانی بگیرد و یلان و سرگردان مانده ناچار میشود انها را گرسنه نگاه داشته دوا برای انها تهیه نماید ؟ آیا اطباء می بینند که چه تفرقه های عائله بواسطهٔ سفلیسی در این شهر رخ میدهد ؟ ایا مشاهده این اوضاع تلخ که هر ذی حسی را مدهوش میکند رقت بشری اقایان اطبارا تحریک نمی کند ؟

قابل توجه اقایان اطباء

اگرچه مجلّه ندای ترقی که هنوز دو ماه است طبع و نشر میشود امروز زیاده بر چهار هزار نفر مشترك در داخله و خارجه پیدا کرده و هنوز تقاضای اشتراك از نقاط بعیده میرسد و جناب اقای حاجی سید محمد علی نجفیان با وجود گرفتاریهای شخصی و خانوادهٔ زحمت فوق العاده مدیریت را بعهده گرفته و با تحمل زحمات زیاد در استرضای خاطر مشترکین محترم می کوشند لکن بنده فقط امروز اقایان اطبائی را که در ایالت خراسان و بالخصوص در ارض اقدس تشریف دارند مخاطب قرار داده عرض میکنم اول خودم را که یکنفر از پست ترین افراد انها هستم میگویم بیائید انصاف کنیم و ببینیم هرگاه دشمنی بر شهر ما حمله کرده وعساکر مدافعه شهری در صدد دفع انها نبوده و راحت بخوابند چه گمانی باین قشون خواهیم داشت واگر عده از شهریها هم با دشمن مهاجم همراهی کرده و وسایل تسلط انهارا بر اهالي فراهم نمایند چه نظري بانها داشته و اولیاي لشکر ما

چه معامله با این عده خواهند نمود ای اقایان ایا می بینید که دشمن بیرحم وقسی القلب سفلیس با تمام قوای خود بر شهر شما حمله ور گشته و تمامی بلاد وولایت وقصبات وقریجات شمارا متصرف گشته نه بر پیر و نه بر جوان ونه برزن ودختر ونه بر اطفال شیر خوار ونه بر نطفه های منعقده در شکم مادر مملکت شما رحم می کنند ایا می بینید که همه روزه مجروحین واسرای این دشمن دسته دسته دامن شمارا گرفته استغاثه مینمایند ایا می بینید اطفال دو ماهه درعین بیزبانی پناهنده به عتبه مطب های شما شده اند آیا تردیدی برای شما مانده است که طولی نخواهد کشید یك نفر پسر و دختر سالم در شهر شما نخواهد ماند ؟ البته اطباء جواب خواهند داد که بلی همه اینها را می بینیم و میدانیم وهیچ طبیبی نیست که قلب آن از این بلای عمومی متألم نشود اما از دست ما غیر از اینکه در معالجه انها و نجات انها را از دست دشمن تلاش کنیم چیزی بر میآید ؟ باز میگوئیم آیا همین معالجه معمولی و دادن دوا و انژکسیون برای دفع این دشمن کافی است ؟ البته خواهند گفت کافی نیست زیرا که ما از یکطرف یك عده اسراء را از دست دشمن خلاص میکنیم از چندین طرف و سائل امدادیه وقوای تهاجمی به انها میرسد.

و سائل مدادیه چیست ؟ البته علم طب و تجربیات حسی برما ثابت کرده است که سرایت و شیوع سفلیس از راه مقاربت با زنهای سفلیسی و مخالطه کردن با انها است فاهذا فواحش که و سائل امدادیه دشمن هستند روز بروز مراکز و سنگرهای محکمی بدشمن میدهند که امروز تمام نقاط مهمه و معابر عمومی

با سنگرهای دشمن محاصره و اشغال شده و قوای خود را در خیابانها و کوچه ها تمرکز داده اند اینمراکز کدام و کجاست ؟ اینمراکز فاحشه خانها است اگر چه بواسطه مسامحه و غفلت ما غالب زوایای مملکت را نمایندهها و جاسوسهای دشمن فرا گرفته لکن هنوز ترس دارند که خودرا ظاهر نمایند و شب و روز در تهیه وو سائل ظهور خود میباشند خدا کند که باینمقصود نائل نشوند که باید اطباء خودشان هم فرار کنند بسیار خوب ـ پس چه باید کرد باید تماشا کرد تا وقتیکه همه اسیر دشمن باشند ؟ نه ـ باید اقدام نمود اما با این ملت جاهل و قوم نادان چه کنیم که خودشان با کمال شوق استقبال از دشمن خود مینمایند آیا انصاف است که ملت نادان را بخود واگذاشته و اورا متنبه ننمود؟ نه ـ بسیار دور از انصاف است اطباء را واجب است بهر قیمتی که تمام شود و بهر زحمتي که باشد از خیر خواهی و نصیحت و حفظ صحت ابدان ومنع فساد اخلاق نوع خود کوتاهی ننمایند اطباء مسئول اینگونه امور هستند که اگر مجلس محاکمه در مملکت تشکیل شده و اطباء را استنطاق نماید که شما اهمیت این دشمن را دانسته حملات و مراکز خفیه و قوای امدادیه انها را مي شناختید چه دلیل داشت اظهار نکردید تا پیش بینی شود اطباء محکوم خواهند بود اطباء دو جواب اقناع کننده دارند که شاید از مسئولیت و محکومیت خود را نجات دهند یکي اینست که دشمن سفلیسي امروز بقدري جری شده که علناً بدون هیچ ملاحظه و واهمه خود را در انظار عمومی و مجانی حتي در معابد نمایش داده و بسیار مائل است که همه اورا بشناسند

در اینصورت اظهار اطباء زیادی است زیرا همه مردم این زنها و این فواحش راکه باشکال مختلفه خودرا بمعرض نمایش گذارده اند می بینند واگرسابقاً برای اغفال اهالی نقب بروی خود انداخته بودندکه همه کس انهارا نمی‌شناخت امروز تجری پیدا کرده نقابها را ازچهره برداشته اند واگرباهزار زحمت و اقدامات سری و وسایط مختلفه مرکزی برای خود پیدا مینمودند حالا اهالی خودشان بکمال امتنان آنهارا درخانهای خود منزل میدهند اطباء چه بگویند بملتی که این قدر رذل پست و دنی‌الطبع وبی شرف باشد که برای ماهی پنج تومان وجه کرایه زیاد یکدسته از دشمن خود ونوع خودرا در ملک خود تمرکز دهد و پنج تومان فایده نجس تر ازهر نجسی چشم اورا بطوری کور و قلب اورا بقسمی سخت کنند که برپسر ودخترهای جوان بیخبر ازهمه جا رحم نکرده درعین‌دوستی انهارا تسلیم دشمن نماید جواب دوم – یکدسته ازمردم هستند که اینها بهمین دشمن حاضر کفایت نمودم واصرار تمام دارند همه روزه برعده دشمن افزوده و بقیة السیف اهالی‌راهم دستگیرانهانمایند جنایت‌این دسته‌ازمردم‌از فواحش‌بالاتر وعداوت انها بااهالی بیشتر است جنایت‌این‌دسته‌از مردم قابل عفو نیست زیرا که فواحش برای تحصیل معاش اینکاررا برای خود وسیله زندگانی قرار داده ونفوذ دشمن سفلیس‌واهمیت‌ان راجاهل هستند وتصور میکنند بامعالجه چندروزه نجات خواهند یافت وممکن است اینهارا بانصیحت وزبانهای ملایم ملتفت



جناب اقای حاج سید محمد علی نجفیان رضوی
الحق در عالم معارفخواهی خدمات شایانی انجام
داده و بواسطه زحمت ایشان ترقیات مهمی برای
ندای ترقی حاصل گردیده است   دفتر لقمان مبین



اقاي میرزا عباس خان عظیم زاده که یکی ازجوانان
معارف پرور میبا شند از نقطه نظر معارفخواهی
به تأسیس مجله ندای ترقي اقدام نموده اند

کرده و کم کم ازاعمال خود منصرف نمودواما اندسته‌از مردم‌خود را عالمترین اهالی دانسته و بلکه‌خودرا ترقی خواه ووطن پرست معرفي نموده اند ودرعین حال‌عقیده انها ازدوشق خالی نیست یااینکه باوجود جهل صرف‌خودرا دانا دانسته واین‌خیانت را امانت وخیرخواهی‌میدانند وبا اینکه شهوت موهومی شخصی بقدری انهارا مست کرده که از افنای یك قوم ویك ملت وسوق انهارا بطرف بد بختی دنیا وآخرت باك وبیمی ندارند بقیه دارد

تشکر وامتنان

بعضی‌از مدیران محترم مرکز وسایر ایالات وولایات ایران وخارجه انتشار ندای ترقی رابا‌حسن نظر تلقی نموده تقریضتي درگرامی نامه‌های خود درج ومارا مرهون خود فرموده‌اند لهذا باین وسیله از کلیه اقایان فوق‌الذکر تشکر کرده دوام وبقاء وموفقیت آنانرا ازحضرت احدیت خواستاریم ندای ترقی

اخطار

چون صفحات ندای ترقی منحصربه قسمت های طبي وعلمي واخلاقی میباشد وازان‌طرف قصایدواشعار متفرقه آقاي مدیر ومرحوم‌والد انجناب قابل‌تقدیروتقدیس وقسمت تاریخ روضهٔ رضویه‌هم قابل‌توجه‌میباشدمع‌هذا ازجناب آقای نجفیان رضوی‌مدیر محترم نداي ترقي تمنا کردیم‌آنهارا جدا گانه طبع نمایند دکتر لقمان



مشهد : مطبعه نور

اخطار

برای انکه اقا یان محصلین بتوانند از مندرجات ندای ترقی استفاده کنند ابونمان انرا برای عموم محصلین از ۱۲ به ٦ قران تنزل داده و در شماره قبل هم اخطار کردیم متأسفانه عدهٔ از محصلین و اقایانی که ندای ترقی را باتخفیف ابونه تقاصا کرده اند بیش ازانچه ما تصور کرده بودیم زیاد شده است، لذا مجدداً تذکر میدهیم که این تخفیف مخصوص باقایان طلاب و محصلین است ومحصلین هم باید تصدیق مدیر یا ناظم خودرا ضمیمه تقاضا نامه نموده ارسال دارند تا بااستفاده ازتخفیف ابونه درجزو مشترکین ندای ترقی محسوب شوند .

وکلای ایالات

طهران اقای میرزا محمد رضاخان صراف تبریزی زید اجلاله

اذربایجان تبریز اقای اقامیرزا عزت‌الله مشکنبری زید عزه

فارس شیراز اقای اقامیرزا محمد حسین مجاهد زید عزه

گیلان رشت اقای اقاسید کاظم آل بحر العلوم زید توفیقاته

کرمان اقای حاجی محمدعلی رئیس‌زاده زید عزه

نمره ۹۵

هند

حیدرآباد دکن

حضور سطوت ظهور والا عالیجناب نواب سالار جنگ بهادر دامت اجلاله

از انجائیکه برهر مسلمان واجب ولازم است که آداب وشریعت قوانین مطهرهٔ نبوی را بدانند ومطابق دستورات آن عمل نماید لهذا از برای ترویج اسلام ونشر اخبار آل محمد صلعم بتازگی کتابی بفارسی موسوم بقانون اسلام بطبع رسیده که مشتمل برمجموع آداب وقوانین شریعت مطهره که برهر فردی از افراد مسلمین واجب ولازم است داشته وعمل بان کتاب نمایند طالبین باداره ندای ترقی رجوع فرمایند

در مشهد کتابخانه فرهنگ نظر بحسن معارف پروری ونوع پرستی اخطار میکند هر کس ده جلد ندای ترقی از این کتابخانه بطلبد یکجلد کتاب رمان بخریدار داده خواهد شد ایضاً (اقسام لوازم عکاسی ازهر قبیل ولوازم تحریر از هر قبیل موجود وآقایان محترمیکه از ده تومان علاوه خرید نمایند تخفیف کلی داده خواهد شد و سفارشات باسرع وقت جواب داده میشود

مدیر کتابخانه فرهنگ